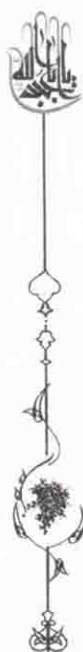


فهرست مطالب

۸	سخن مؤلف
۹	مقدمه
۱۱	پیشگفتار (۱)
۱۴	پیشگفتار (۲)
۱۹	تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم
۲۲	آغاز حرکت به سوی خورشید
۴۱	ورود به شهر مهران
۴۹	ورود به خاک عراق
۶۰	امام اولین تشیع حضرت علی اعلی‌السلام
۶۵	شماره‌ی آرامگاه
۹۵	حرکت از نجف به سوی کربلا (یکشنبه ۹۲/۷/۲۵)
۹۵	زیارت وداع حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۰۰	ورود به شهر خورشید
۱۱۷	زیارت حضرت ابی‌عبدالحسین علیه السلام
۱۳۵	علما و بزرگان آرمیده در کنار قبر نورانی حضرت امام حسین علیه السلام
۱۳۷	سومین امام تشیع حضرت امام حسین علیه السلام



- ۱۳۸ حضرت ابوالفضل علیه السلام قمر بنی هاشم (علمدار کربلا)
- ۱۵۱ شش گوشه بودن قبر آقا حسین علیه السلام
- ۱۵۴ حرکت به سوی زیارتگاه دو طفلان مسلم
- ۱۶۴ هفتمین امام تشیع حضرت کاظم علیه السلام
- ۱۶۵ نهمین امام تشیع حضرت جواد علیه السلام
- ۱۶۷ یازدهمین امام تشیع حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
- ۱۶۸ دوازدهمین امام تشیع حضرت مهدی موعود علیه السلام قائم آل محمد
- ۱۷۵ دهمین امام تشیع حضرت هادی علیه السلام
- ۱۸۱ ۱۲ بند محتشم
- ۱۹۴ خلاصه‌ای از مصاحبه با آقای واجدی...
- ۱۹۶ مصاحبه اختصاصی با رابط بین الملل عتبات عالیات...
- ۲۰۱ پیام مشترک در وصیت‌نامه شهدا
- ۲۰۳ زیارت عاشورا
- ۲۱۳ تصاویری از شهدای عزیز وابسته به قالیبافان عتبات...
- ۲۱۹ مزار شهدای گمنان در کاشان
- ۲۲۵ تصاویر یادگاری



آغاز حرکت به سوی خورشید

ساعت گویای تلفن که زنگ خورد، متوجه شدم که وقت نماز صبح است. حال آرامی داشتم. موبایلم اعلام کرد که امروز چهارشنبه ۲۴ مهر سال ۱۳۹۲ برابر با ۱۰ ذی الحجه سال ۱۴۳۴ برابر با ۱۶ اکتبر سال ۲۰۱۳ میلادی، اذان صبح ساعت ۴:۴۲ دقیقه و اذان مغرب ساعت ۱۷:۵۲، زنگ بیدارباش تلفن را قطع کردم و نازه متوجه شدم که امروز، روز دیگری است. عید سعید قربان و روز لیک ما کربلائیان به دعوت آقا و مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، به شهر حسین علیه السلام و وادی نجف است. آری، کربلا را می گویم، و شهر بهشت ولایت نجف را که همه بزرگان توصیه کرده اند که در حرم مولا علی علیه السلام باید از درب باب القبله اش وارد حرم شد. ناگهان این اشعار را در ذهنم مرور کردم که:

هر قلب برای قبله جایی دارد

هر قبله برای خود خدایی دارد

این جمله شنیدم ز درون کعبه

«ایوان نجف عجب صفایی دارد»

و این شعر زیبای دیگر در باب حسین علیه السلام که:

محبوب خدا، اسوه‌ی تابان حیات

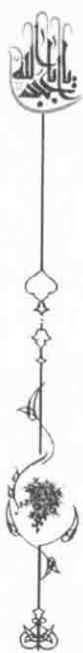
خورشید رسل، بهار فصل صلوات

فرموده است که حسین بن علی علیه السلام

مصباح هدایت است و کشتی نجات.



تا به این جمله‌ی زیبا و با طراوت پیامبر درباره‌ی حضرت حسین علیه السلام اندیشه می‌کردم، ناگه به یاد آن حرکت بسیار آموزنده حضرتش در ظهر عاشورا در آن بحبوحه‌ی خون و آتش افتادم که برای برپا داشتن نماز به جماعت به جهان بشریت آموخت و این چنین حسین علیه السلام جان فرزندان و همه‌ی هستی خویش را فدا می‌کند تا نماز و امر به معروف و نهی از منکر بماند؛ لذا بلافاصله از دنیای افکار خویش خارج و به وظیفه اصلی‌ام که نماز صبح بود پرداختم. بعد از نماز و دعا و نیایش به درگاه حق تعالی، اقدام به جمع و جور کردن امور مربوط به سفر نمودم. هر چند از قریب بیش از یک ماه پیش از آن، همسر بزرگوار بنده با زحمات بسیار زیاد و تلاش‌های شبانه روزی تمامی وسایل را مهیا کرده بود. حقیقت این است که در این سفر روحانی و معنوی ما مردان کاروان به واسطه‌ی دعوت آقا امام حسین علیه السلام و عمل‌دارش آقا ابوالفضل علیه السلام از همسرانمان یعنی قالیباغان بسیار محترم، گرام و باعزت حرمین شریفین کربلا و نجف به این سعادت بزرگ دست یافته‌ایم؛ هر چند هزینه‌ی سفر را شخصاً پرداخت کرده‌ایم، ولی اگر لیاقت این دعوت ملکوتی را نمی‌یافتیم هرگز موفق به این سفرالهی نمی‌شدیم. راستش هنوز نمی‌توانیم بگوییم که موفق به دیدار یار می‌شویم؛ چون بوده‌اند و هستند بسیاری که هم ثروت فراوان دارند، هم وقت و زمان زیاد و حتی افرادی که چندین بار تا خروجی مرز ایران و عراق رفته‌اند، ولی سعادت زیارت پیدا نکرده‌اند و برگشته‌اند. در این



افکار، غوطه‌ور بودم که به یاد جلسه‌ی توجیهی روز شنبه ۱۳۹۲/۷/۲۰ در مسجد سجادیه‌ی راوند کاشان محل کارگاه قالیبافی خواهران که از طرف مدیرعامل محترم شرکت ترنج محراب کاشان حاج آقا سیدمحسن واجدی که شخصاً برای ایشان احترام ویژه‌ای قائلم، افتادم که در آن جلسه ایشان بسیار تأکید بر اعمال و رفتار و کردار زائران عزیز داشتند و اینکه انسان‌ها در سفر شناخته می‌شوند و همچنین بر رعایت دقت و نظم و مواظبت حال سالمندان و مهربانی به یکدیگر را توصیه فرمودند. همچنین در این جلسه بی‌ریا و بسیار معنوی، مدیران محترم راهنما، روحانیون معزز و بزرگوار، اتوبوس‌ها و مداحان عزیز کاروان معرفی شدند.



ما هم که تا آن لحظه نمی‌دانستیم که شماره‌ی اتوبوسمان چیست و روحانی بزرگوار و مدیر محترم و همراهانمان چه عزیزانی



هستند بالاخره با معرفی مدیران کاروان و شماری اتوبوس در جلسه از این بابت نیز خدای بزرگ را شکر گزار شدیم که اعلام شد مدیر کاروان اتوبوس اول جناب آقای جمالی از دوستان بسیار عزیز و فعالم است که به خوبی می‌شد به این موضوع پی برد که همانند برادر بزرگوارشان جناب آقای مهندس جمالی نماینده‌ی اسبق پرتلاش و ایثارگر کاشان، فعال، پویا، خودمانی و دوست‌داشتنی هستند؛ ولی از قضای روزگار ما در لیست اتوبوس شماری یک نبودیم و اما استاد جواد روحانی که از اتفاق استاد این حقیر نیز بوده‌اند، مسئولیت و مدیریت اتوبوس شماری ۲ را بر عهده داشتند که باز نامی از ما در این اتوبوس هم نبود. همچنان در انتظار بودیم که این بار نام ما در اتوبوس شماری ۳ ثبت شده بود که با معرفی جناب آقای موحدی امین بسیار فعال، کوشا و پرتلاش که در طول سفر ما شاهد فعالیت‌های بی‌دریغ و بدون توقف ایشان و رسیدگی و دقت به امور زائران اتوبوس بودیم و با توجه ویژه‌ای که این بزرگوار برای رفع مشکلات ایجاد شده در طول سفر به انجام رسانیدند تقریباً می‌توانم به جرأت بگویم ما هیچ مشکل خاصی نداشتیم؛ البته نه اینکه مشکل وجود نداشته باشد بلکه منظور رفع مشکلات پیش آمده در اسرع وقت بود. و اما آخرین اتوبوس یعنی اتوبوس شماری ۴ نیز مدیر خود را شناخت: مدیر دلسوز، مهربان و آرام این اتوبوس کسی نبود جز جناب آقای عصمتی. خوشبختانه توفیق بسیار بزرگ دیگری که نصیب‌مان شده بود حضور دو

